



تجمع آب های فاضلاب خانگی
صدای اهالی محله عباس آباد را در آورده است

همسایه با جویبار متعفن

شهامت | نشانی را پیدا نمی کنیم. در نبود تابلوهایی که می تواند راهنمای ما در یافت مسکونی در هم تنیده خیابان شهید محبی باشد. بین کوچه پس کوچه های تنگ و دراز آن، سردرگم شده ایم. راهنمایی های پر پیچ و خم اهالی هم درست در خاطرمان نمانده است؛ احتمالا چیزی بود از این قرار: «آخر همین کوچه، پیچید به چپ، یک چهارراه مانند می بینید. آن را که تا آخر رفتید، باز بروید سمت چپ، می شود روبه رویتان.»

بالاخره به زمین بایری رسیده ایم که شهرک امید در یک سوی آن و انتهای فرعی های خیابان شهید محبی ۴۳، سوی دیگر آن قرار دارد. جمعیتی که در دو بیست قدمی مان ایستاده و بوی گندابه ای که نفس کشیدن را سخت کرده است، به ما می گوید به محل فرمان با اعضای شورای اجتماعی محله عباس آباد نزدیک شده ایم.



همسایه های گلایه مندش جور درمی آید: «بعد از تجمع دیروز همسایه ها، مسئولان آمدند این نوارها را کشیدند. هیچ فایده ای ندارد و بچه ها باز هم برای بازی می آیند این اطراف. به ظاهر جوی نگاه نکنید. برای قد و قامت یک بچه عمیق است.» خانم آرام، از دیگر ساکنان کوچه است و هفده سال دست و پنجه نرم کردن با مشکلات این محدوده، او را ناآرام و کلافه کرده است: «شب ها اینجا نه نور دارد، نه امنیت، نه راهی که بشود اورژانس یا آتش نشانی خودش را برساند. همسایه بیمارمان را با پتو آوردند تا سر کوچه. باید مسئولان این جوی را درست کنند تا هم بساط بوی گند از اینجا جمع شود، هم آسفالت شود.»

چرای گوسفندان اطراف جوی متعفن!

میان همه ای که مردم به پا کرده اند، جمله های شکسته بسته ای را می شود شنید که یک سمت رانشان کرده اند: سمت جوی آبی که از اراضی با بررد می شود و بارندگی های اخیر، سطح آب آن را بیشتر کرده است. هنوز ابتدای بهار است و خدای داند بوی تعفنی که اکنون با وزش باد، به فضای اطراف پراکنده می شود، با رسیدن تابستان، چند برابر خواهد شد و چطور می شود در چنین فضایی نفس کشید و زندگی کرد. از همین فاصله می شود چوپانانی را دید که گوسفندان خود را برای چرا به این اراضی آورده اند تا آن ها را با علف های روئیده در اطراف این جویبار متعفن، سیراب کنند. این جورچین نازیبا تصویری را پیش روی بیننده قرار می دهد که بین حضور در نقطه ای شهری یا قرارداد اشتن در روستایی دور افتاده، تردید می کنی. با این حساب می شود صحبت اهالی را درک کرد وقتی که می گویند: بابت این بو، این زباله ها، این لوش و لجن و آسفالت درب و داغانی که به زمین خاکی ختم می شود، از فامیل و دوستانی که می آیند خانه مان خجالت می کشیم.

خطر ساز برای کودکان

خانم قدمیاری، ۲۹ سال است که ساکن کوچه شهید محبی ۴۳، ۲ است. او و دیگر اهالی، ممیزها را بین خودشان قرارداد کرده اند و تابلویی در کار نیست. قدمیاری بلوکه های خط درمیانی رانشان می دهد که اطراف جوی آب است و دور آن نوارهای زرد رنگ خطر کشیده شده است. نبودن نوارها با صحبت های او و

بیماری در کمین اهالی

رئیس شورای اجتماعی محله عباس آباد روی گلایه های مطرح شده از سوی اهالی صحنه می گذارد: «همچنین روی پیگیری های بی نتیجه ای که از سوی شورای اجتماعی برای اجرای طرح آگو انجام شده است. حجت الاسلام و المسلمین عباس فریمانیه ای می گوید که اهالی، مبلغ مورد نیاز برای اجرای این طرح را ۱۰ سال پیش پرداخت کرده اند اما هنوز خبری از اجرای طرح نیست. اجرانشدن طرح جمع آوری آب های سطحی نیز مزید بر علت شده و شرایطی را پیش آورده است که نتیجه آن را این طور از زبان او می شنویم: آب متعفن اینجا، علاوه بر بوی آزار دهنده ای که برای مردم دارد، باعث جمع شدن پشه ها و ایجاد بیماری می شود. با تمام این تفصیلات، خبری از ورود اداره بهداشت به ماجرا نیست.»

شهرآرام محله پیگیری می کند

تهیه گزارش قول او عملی می شود و بنا بر اعلام شهروندان و ارسال تصاویر، تانکرها برای انتقال آب های متعفن کارشان را آغاز کرده اند.

شهرآرام محله اکنون پیگیر احداث کانال هدایت آب های سطحی از مدیریت نظارت بر اجرای طرح های عمرانی شهرداری مشهد است و همچنین در آینده نزدیک نتیجه پیگیری های خود را از ایفا برای اجرای طرح آگو در این محدوده به اطلاع شهروندان خواهد رساند.



از همان لحظه تهیه گزارش پیگیری هایمان را از نهاد های مختلف برای رفع مشکلات اهالی محله عباس آباد آغاز می کنیم. از مردم کمک می گیریم تا پیشنهادها پیشان را برای رفع این مشکل ارائه دهند. حجت الاسلام فریمانیه ای جمع آوری و انتقال آب های جمع شده در جوی را مطالبه می کند. برای پیگیری با رئیس اداره خدمات شهری ارتباط می گیریم. حسین خوشبخت قول می دهد که در کمترین زمان ممکن تانکر برای تخلیه و انتقال آب های فاضلاب اعزام کند. روز بعد از



شب ها اینجا نه نور دارد، نه امنیت، نه راهی که بشود اورژانس یا آتش نشانی خودش را برساند. همسایه بیمارمان را با پتو آوردند تا سر کوچه. باید مسئولان این جوی را درست کنند تا هم بساط بوی گند از اینجا جمع شود، هم آسفالت شود